

تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان شهر اصفهان (پیش از انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی)

مجتبی عطارزاده^۱ - حسین توسلی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۳

تاریخ تصویب: ۹۰/۱/۱۹

چکیده

مشارکت سیاسی تنها در انتخابات خلاصه نمی‌شود؛ ولی در عین حال از قابلیت سنجش برخوردار است. آنچه که نقش تعیین‌کننده در نتایج انتخابات دارد، رفتار انتخاباتی شهروندان می‌باشد که از شهرستانی به شهرستان دیگر متفاوت است. رفتار انتخاباتی بر چگونگی انتخاب نامزدها از سوی شهروندان دلالت دارد. این که شهروندان براساس چه معیارها و مؤلفه‌هایی به انتخاب کاندیداها می‌پردازند، در نتایج انتخابات تأثیرگذار می‌باشد.

۱. استاد یار و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان (mattarzadeh@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (tavasoli.hossein1366@yahoo.com)

بررسی روند مشارکت سیاسی در جریان انتخابات، یکی از راه‌هایی است که طی آن می‌توان به انگیزه‌های حضور سیاسی شهروندان پی برد. از آنجا که میزان آگاهی و دانش کافی، نقش تعیین‌کننده‌ای در رخداد حضور سیاسی ایفا می‌کند، گزینش منطقه‌ای حائز این شرایط در کاوش امر مذکور می‌تواند تسهیل‌کننده باشد.

اصفهان به عنوان یکی از پنج شهر بزرگ کشور، همواره در عرصه‌ی سیاست و انتخابات نقش پراهمیتی داشته است. روند مشارکت سیاسی شهروندان در این شهر، نشان‌دهنده اهمیت این شهر در تعیین تصمیم‌گیری‌های کشوری می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیت سیاسی شهر اصفهان، تحلیل رفتار انتخاباتی این شهر می‌تواند حایز اهمیت باشد. این مقاله درصدد تبیین رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان پیش از انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، براساس سه نظریه‌ی، ایدئولوژی مسلط، نظریه انتخاب عقلایی و نظریه هویت حزبی - جناحی می‌باشد. روش مورد استفاده در این مقاله، روش پرسشگری از یک جامعه‌ی آماری در شهر اصفهان است؛ نتایج به دست آمده نیز از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های آماری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، رفتار انتخاباتی، اصفهان، نظریه‌ی انتخاب عقلایی، نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی.

مقدمه

امروزه یکی از مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی میزان مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی است که منجر به ثبات سیاسی نظام‌های دموکراتیک می‌شود. انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه‌ی عطفی در زمینه‌ی رشد مشارکت سیاسی دانست که در طول عمر ۳۲ ساله‌ی خود هرگز متوقف نشد. مشاهده می‌شود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با آنکه مشارکت سیاسی مردم هیچگاه متوقف نشد، اما نوع رفتار انتخاباتی متفاوتی را براساس سیر زمانی

شاهد هستیم. بدین صورت که رفتار انتخاباتی از اول انقلاب تا به امروز، به یک صورت باقی نمانده است. بر همین اساس آگاهی مردم دارای حیات است که با تأثیرپذیری از شرایط و مقتضیات هر دوره‌ی زمانی، شکل خاصی به خود می‌گیرد که این امر بر رفتار انتخاباتی آنان تأثیرگذار بوده است. عواملی همچون افزایش میزان تحصیلات، رشد اقتصادی و جوان‌تر شدن نسل در ایران، بر رفتار انتخاباتی شهروندان تأثیرگذار بوده است. به طوری که مشاهده می‌شود رفتار انتخاباتی شهروندان و گزینش آنها در انتخاب کاندیداها، در سال‌های اولیه‌ی انقلاب با سال‌های بعد از آن، متفاوت بوده است. این مقاله براساس، ترجیحات رأی‌دهندگان در انتخاب کاندیداها در شهر اصفهان قبل از انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی است. برای مشخص شدن ترجیحات رأی‌دهندگان، سه نظریه که به عنوان فرضیه‌های مقاله نیز می‌باشند، در نظر گرفته شده است که عبارت است از: نظریه‌ی انتخاب عقلایی، نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط و نظریه‌ی هویت حزبی- جناحی.

به همین ترتیب می‌توان این سؤال را مطرح کرد:

رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان قبل از انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، با کدام یک از این سه نظریه همخوانی دارد؟ سؤال فوق که درصدد مشخص کردن نوع رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان دارد، بر روی یک جامعه‌ی آماری در شهر اصفهان با سه فرضیه صورت گرفته است:

- نوع رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان، با نظریه‌ی انتخاب عقلایی همخوانی دارد.

- نوع رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان، با نظریه‌ی هویت حزبی- جناحی همخوانی دارد.

- نوع رفتار انتخاباتی مردم شهر اصفهان، با نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط همخوانی دارد.

مقاله‌ی حاضر درصدد آزمون این سه فرضیه به وسیله‌ی داده‌های استخراج شده، از یک جامعه‌ی آماری می‌باشد.

مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی

مشارکت سیاسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم علم سیاست در عصر حاضر است. مشارکت سیاسی را باید فرع بر نظام سیاسی دانست که آن هم به نوبه‌ی خود فرع بر فرآیند مهم دیگری تحت عنوان جامعه‌پذیری می‌باشد. از این منظر انسان چه از باب ضرورت و چه از باب طبیعت انسانی خود، به حیات جمعی و تأسیس نظام سیاسی روی آورده است. این شکل از حیات سیاسی متضمن به وجود آمدن دو گروه فرمانروایان و فرمانبرداران می‌باشد که روابط ویژه‌ای از قدرت را در جامعه حاکم سازند (شهنازی، ۱۳۸۰: ۵۷)؛ این امر در کشورهای دموکراتیک بدین صورت می‌باشد که، مردم به انتخاب حاکمان و فرمانروایان می‌پردازند. رویکردهای مختلف متفکران باعث شده است که تعاریف گوناگونی از مشارکت سیاسی ارائه شود. آنتونی گیدنز مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی مورد توجه قرار داده و در تعریف حقوق سیاسی می‌نویسد: «حقوق مشارکت سیاسی، مانند حق رأی در انتخابات محلی و ملی که شهروندان حقوق اجتماعی ملی و معینی دارا هستند» (گیدنز، ۱۳۸۱: ۲۹۳).

مایکل راش درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند؛ در این زمینه وی می‌گوید: «مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات،

شغل، جنسیت، مذهب، قومیت، ناحیه‌ی محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی با زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد، فرق می‌کند» (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

مشارکت سیاسی اشکال مختلفی دارد که می‌توان از مبارزات انتخاباتی، اعمال نفوذ بر سیاستمداران و رأی دادن نام برد. مشارکت سیاسی برای هر نظام سیاسی دارای آثار و پیامدهایی است. ثبات و کارآمدی هر نظام سیاسی همواره نیازمند تأیید و به رسمیت شناختن از سوی مردم است؛ زیرا مردم در همه‌ی نظام‌های سیاسی نقش اول را در ثبات و کارآمدن نظام خویش ایفا می‌کنند. می‌توان بارزترین نمود مشارکت سیاسی را انتخابات دانست، چرا که انتخابات قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد، در عرصه‌ی سیاسی است و می‌تواند به عنوان ملاک برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه شناخته شود. انتخابات کنشی است که همواره به تعریف و تبیین مشارکت در عرصه‌ی نظام اجتماعی می‌پردازد و با بیان خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رأی‌دهندگان و رأی‌آوران و رأی‌خواهان سیاسی، سیاست‌گزینش نامزدهای انتخاباتی را معرفی می‌کند (فریدونی، ۱۳۸۴: ۶۲).

نظریه‌های رفتارهای انتخاباتی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- **نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط:** این نظریه بیان می‌کند که هرچند افراد خود انتخاب می‌کنند اما انتخاب‌های فردی براساس ایدئولوژی مسلط شکل می‌گیرد. همچنین عامل دیگری که در انتخابات فردی بسیار تأثیر دارد، تبلیغات رسانه‌های گروهی است. در ایدئولوژی مسلط، انتخاب تحت تأثیر آموزشی است که حکومت می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲)؛ در این نظریه افراد کاندیداهایی را انتخاب می‌کنند که با ایدئولوژی حکومت همگام باشند. بنابراین نگرش‌های رأی‌دهندگان با عقاید ایدئولوژی مسلط مطابقت دارد.

۲- **نظریه‌ی انتخاب عقلایی:** معتقدان به این نظریه در تبیین آن بیان داشته‌اند که، پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است، و آدمیان فاعلانی هستند که ارزش، اعتقاد،

هدف و... بر افعال‌شان حکومت می‌کند. انسان‌ها مخلوقات عالم و قاصدند که فعل‌شان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. آنتونی داونز پیشگام در کاربرد این نظریه در رفتارهای انتخاباتی و رقابت‌های حزبی می‌باشد؛ طبق این نظریه افراد موجوداتی کاملاً عقلانی هستند که براساس منافع خودشان دست به انتخاب می‌زنند (مارش - استوکر، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

افراد می‌توانند تشخیص دهند کدام گزینه از گزینه‌ی دیگر مناسب‌تر است. پس طبق این نظریه فرد نقش بسیار مهمی در انتخاب افراد دارد و ممکن است براساس انگیزه‌های مختلفی از جمله انگیزه‌ی اقتصادی دست به انتخاب بزند. در این نظریه، افراد سعی دارند به کسانی رأی دهند که بیشترین منافع آنها را تأمین می‌کنند. طبق این نظریه، افراد بر اساس سود و زیان خودشان عمل می‌کنند.

۳- نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی: نظریه هویت حزبی مبتنی بر دل‌بستگی روان‌شناختی مردم به احزاب است. در اصل افراد به گروه‌های اجتماعی گوناگون دل‌بستگی دارند. این‌گونه دل‌بستگی‌ها به شکل عضویت یا هواداری نسبت به حزب، سازمان و انجمن نمود می‌یابد و همین دل‌بستگی فرد، باعث می‌شود که رأی‌دهنده، وفاداری‌های گروهی را جانشین قضاوت سیاسی کند. در این صورت فرد با فکر خود رأی نمی‌دهد؛ بلکه استانداردهای دوستان، همکاران و طبقه است که او را راهنمایی می‌کنند تا به چه کسی رأی دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۵۲).

افراد براساس علایقی که به احزاب دارند، به برنامه‌ها و کاندیداهای احزاب رأی می‌دهند. معمولاً این وابستگی حزبی از دوران نوجوانی در فرد به وجود می‌آید و افراد این هویت را اغلب در سراسر زندگی‌شان حفظ می‌کنند. از این‌رو در بیشتر کشورهای صنعتی پیشرفته و چندحزبی این امر اثری بسزا بر رفتار انتخاباتی شهروندان دارد (گلاب‌چی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

در ایران فعالیت‌های حزبی چندان رایج نیست و در عوض به جای آن، جناح‌بندی‌های سیاسی است که مطرح می‌باشد. به همین دلیل نظریه‌ی هویت حزبی را، به سطح جناحی ارتقاء داده‌ایم تا بتوان این نظریه را در مورد ایران به کار برد. جناح‌های سیاسی در ایران را می‌توان به دو جناح اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی تقسیم کرد. اصول‌گرایی به کسانی اطلاق می‌شود که به چهار اصل پایبند باشند: اول، اعتقاد و الزام به اسلام؛ دوم، اعتقاد به اصل ولایت فقیه؛ سوم، اعتقاد به جمهوری اسلامی؛ چهارم، پیروی از خط و سیره‌ی امام خمینی (ره). اولویت بخشی به آرمان‌های حضرت امام و انقلاب اسلامی، ترجیح همیشگی اصول‌گرایی است (شفیعی فر، ۱۳۸۶: ۱۸).

در جناح اصلاح‌طلبی، اصولی همچون توسعه‌ی سیاسی، رفع موانع حضور تأثیرگذار احزاب در ساخت سیاسی کشور، دفاع از حقوق شهروندی، تقویت جامعه‌ی مدنی، بالا بردن مشارکت سیاسی، تنش‌زدایی در عرصه‌ی سیاست خارجی، آزادی بیان و آزادی اندیشه، مردم‌سالاری دینی، بسط گفتمان قانون‌گرایی مدنظر قرار دارد (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶: ۳۸)؛ بنابراین منظور از جناح‌های سیاسی، دو تفکر اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی است.

داده‌ها و اطلاعات

- پژوهش حاضر به صورت میدانی صورت گرفته است و داده‌ها و اطلاعات آن از یک پرسش‌نامه‌ی ۱۰ گزینه‌ای به دست آمده است.

- پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه، به صورت بسته و ۵ گزینه‌ای مطرح شده است. این ۵ گزینه عبارتند از:

خیلی زیاد، زیاد، متوسط کم، خیلی کم.

- سؤالات پرسش‌نامه براساس سه نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، انتخاب عقلایی و هویت حزبی - جناحی تنظیم شده است.

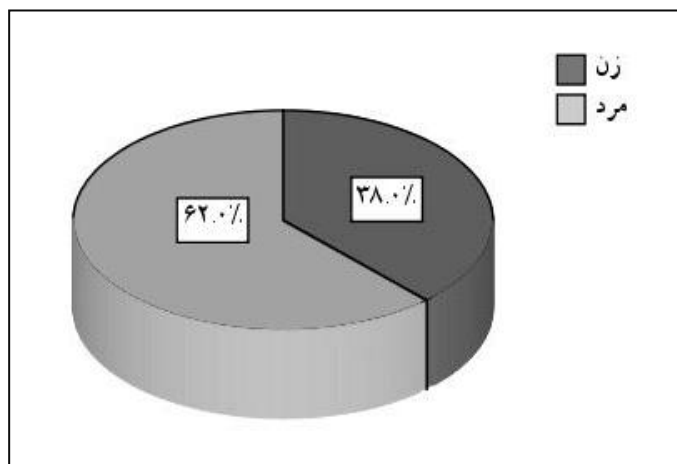
- جامعه‌ی آماری مربوط به شهر اصفهان و تمامی مناطق آن می‌باشد.
- تعداد ۱۲۰ پرسش‌نامه تهیه گردید، که به افراد مرتبط ارائه شد؛ که در مجموع به ۱۰۰ پرسش‌نامه، پاسخ داده شد. بنابراین جامعه‌ی آماری، ۱۰۰ نفر می‌باشد.

تحلیل توصیفی داده‌ها

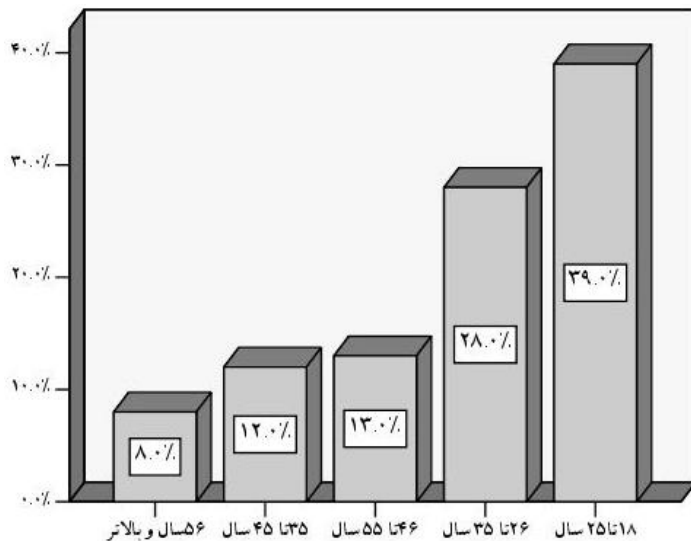
مشخصات کلی پاسخ‌دهندگان

جنس: افراد پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه، به دو گروه مرد و زن تقسیم می‌شوند.

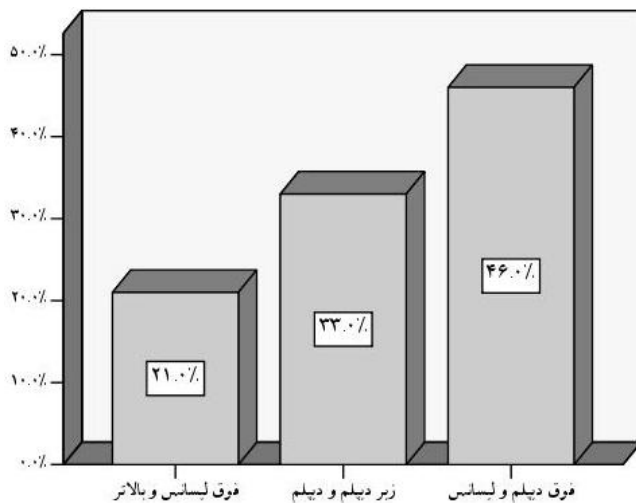
سن: به لحاظ سنی، افراد از ۱۸ تا بالاتر از ۵۶ سال را شامل می‌شود. جزئیات آن به صورت زیر می‌باشد. بیشتر افراد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال قرار دارند (۳۹ درصد).



تحصیلات: از حیث تحصیلات، افراد به سه دسته، زیر دیپلم و دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر تقسیم می‌شوند. بیشتر پاسخگویان (۴۶ درصد) دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند؛ جزئیات آن به شرح زیر می‌باشد.



نمودار سن پاسخگویان



نمودار تحصیلات پاسخگویان

گزینه‌های انتخاب

در پاسخ به پرسش اول، مبنی بر اینکه "تا چه اندازه انتخابات را وظیفه‌ی شرعی می‌دانید؟" ۴۴ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در رابطه با پرسش دوم، مبنی بر اینکه "تا چه اندازه انتخابات را اعمال حق شهروندی می‌دانید؟" ۶۳ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند. در پرسش سوم، از افراد پرسیده شده است که "در گزینش کاندیدای موردنظر در انتخابات، ملاک شناخت کامل از وی، مدنظر شماست." ۷۳ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در پاسخ به پرسش چهارم مبنی بر اینکه "تقید و التزام کامل به مبانی اعتقادی و باورهای دینی که زیرساخت حکومت را تشکیل می‌دهد، عامل انتخاب و گزینش کاندیدای موردنظر شماست." ۵۴ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند. در پرسش پنجم، از افراد پرسیده شده است که "از کاندیدای موردنظران انتظار دارید در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تلاش کند." ۹۰ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در پرسش ششم، از افراد پرسیده شده است که "برنامه‌های اعلام شده توسط گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، مبنای شناخت گزینه‌ی مناسب جهت انتخاب نماینده‌ی موردنظران می‌باشد." ۳۷ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند. در پرسش هفتم، در رابطه با اینکه "تا چه میزان تمایل دارید که کاندیدای شما مذهبی و انقلابی باشد؟" ۳۰ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در پرسش هشتم، در رابطه با اینکه "پاسداشت منافع ملی، صرف‌نظر از برنامه‌ها و جبهه‌بندی‌های سیاسی، عامل مؤثر جهت انتخاب نماینده‌ی موردنظر شماست." ۷۰ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در پرسش نهم، از افراد پرسیده شده است که "میزان همسویی برنامه‌های کاندیدای موردنظران، با اهداف دولت تا چه اندازه بر گزینش و انتخاب شما تأثیر دارد؟" ۳۸٪ از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در پرسش دهم، در رابطه با اینکه "پی‌گیری و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و پافشاری بر اجرای مبانی دینی، از کاندیدای موردنظر در صورت گزینش انتظار می‌رود." ۴۴٪ درصد از افراد، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را انتخاب نموده‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

نمودار زیر میانگین فرضیه‌ها را نشان می‌دهد. نظریه‌ی انتخاب عقلایی بیشتر از دو نظریه‌ی دیگر، با رفتار انتخاباتی افراد رابطه دارد. نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط نیز با اختلاف کمی نسبت به نظریه‌ی انتخاب عقلایی در رتبه‌ی دوم قرار دارد.



نمودار میانگین کلی فرضیه‌ها

آزمون فرضیه‌ها براساس جنسیت

جدول زیر میانگین فرضیه‌ها را در بین زنان و مردان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بین زنان مقدار میانگین برای فرضیه‌ی اول (نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط) بالاتر و برای مردان، فرضیه‌ی دوم (نظریه‌ی انتخاب عقلایی) بالاتر بوده است. پس بنابراین نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، همخوانی بیشتری با رفتار انتخاباتی زنان دارا می‌باشد و نظریه‌ی انتخاب عقلایی با رفتار انتخاباتی مردان هماهنگی دارد. نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی در هر دو گروه جنسی، از هر دو نظریه‌ی دیگر پایین‌تر بوده است و در انتخاب آخر قرار گرفته است.

جدول میانگین فرضیه‌ها به تفکیک جنسیت

جنسیت	نظریه ایدئولوژی مسلط	نظریه انتخاب عقلایی	نظریه هویت حزبی - جناحی
زن	3.60	3.53	3.08
مرد	3.43	3.70	3.15

آزمون فرضیه‌ها براساس سه گروه سنی

جدول زیر میانگین فرضیه‌ها را در سه گروه سنی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، مقدار میانگین برای فرضیه‌ی دوم (نظریه‌ی انتخاب عقلایی) بالاتر بوده است. در گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال، فرضیه‌ی اول (نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط) و در گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال، فرضیه‌ی دوم (نظریه‌ی انتخاب عقلایی) بالاتر بوده است. بنابراین نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، با رفتار انتخاباتی گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال

همخوانی دارد و نظریه‌ی انتخاب عقلایی با رفتار انتخاباتی، دو گروه سنی دیگر همخوانی دارد؛ در هر سه گروه سنی، نظریه هویت حزبی - جناحی، انتخاب آخر بوده است.

جدول میانگین فرضیه‌ها به تفکیک سن

سن	نظریه ایدئولوژی مسلط	نظریه انتخاب عقلایی	نظریه هویت حزبی - جناحی
کمتر از ۳۰ سال	3.48	3.67	3.09
30 تا 50 سال	3.58	3.51	3.16
بیشتر از 50 سال	3.32	3.79	3.15

آزمون فرضیه‌ها بر اساس سه گروه تحصیلی

جدول زیر میانگین فرضیه‌ها را در سه گروه تحصیلی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در گروه تحصیلات زیردیپلم و دیپلم، مقدار میانگین برای فرضیه‌ی اول (نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط) بالاتر بوده است. در گروه فوق‌دیپلم و لیسانس، فرضیه‌ی دوم (نظریه‌ی انتخاب عقلایی) و در گروه فوق‌لیسانس و بالاتر، فرضیه‌ی دوم (نظریه‌ی انتخاب عقلایی) بالاتر بوده است. نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی در هیچ‌یک از گروه‌های تحصیلی، جایگاه اول را نداشته است. بنابراین نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط با رفتار انتخاباتی گروه تحصیلی دیپلم و زیردیپلم همخوانی دارد و نظریه‌ی انتخاب عقلایی با رفتار انتخاباتی افرادی که تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند، هماهنگی دارد.

جدول میانگین فرضیه‌ها به تفکیک تحصیلات

تحصیلات	نظریه ایدئولوژی مسلط	نظریه انتخاب عقلایی	نظریه هویت حزبی - جناحی
زیردیپلم و دیپلم	3.37	3.25	2.98
فوق‌دیپلم و لیسانس	3.67	3.80	3.17
فوق‌لیسانس و بالاتر	3.30	3.87	3.21

نتیجه‌گیری

در این مقاله تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان شهر اصفهان، پیش از انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، با استفاده از روش پرسشگری مورد ارزیابی قرار داده شد. سه فرضیه‌ی اصلی یعنی نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، نظریه‌ی انتخاب عقلایی و نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی، برای تعیین رفتار انتخاباتی مورد آزمون قرار گرفته شده است. نتایج به دست آمده از جامعه‌ی آماری، نشان‌دهنده‌ی آن است که نظریه‌ی انتخاب عقلایی، بیشترین هماهنگی را با رفتار انتخاباتی شهروندان شهر اصفهان دارا می‌باشد. همچنین نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، با اختلاف کمی نسبت به نظریه‌ی انتخاب عقلایی در جایگاه دوم قرار دارد. اما نظریه‌ی هویت حزبی - جناحی کمترین نزدیکی را با رفتار انتخاباتی مردم این شهر دارا می‌باشد. می‌توان دلیل این امر را، در ناکارآمدی احزاب و جناح‌های سیاسی در جلب نظر و خواسته‌های شهروندان و همچنین بی‌اعتمادی مردم نسبت به احزاب و جناح‌های سیاسی که ریشه‌ی تاریخی دارد، مشاهده نمود. دلیل اینکه رفتار انتخاباتی

شهروندان شهر اصفهان با نظریه‌ی انتخاب عقلایی همخوانی دارد را می‌توان ذیل دو عامل به بررسی نشست: اولین عامل، توسعه‌ی اقتصادی و فرایند تبدیل شدن ثروت به ارزش در جامعه است که عمدتاً از پایان دوران هشت ساله جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی رو به فزونی نهاد. با احساس ضرورت اهتمام به بازسازی کشور و در نتیجه توجه مضاعف به معیارهایی همچون تخصص، و با تبدیل شدن مادیات و ثروت به ارزش، کم‌رنگ شدن ارزش‌های معنوی و ایدئولوژیکی در میان برخی از اعضای جامعه به دنبال آمد. این تحول افراد را واداشت تا بیش از آنکه جمعی بیاندیشند، منافع خود را در اولویت قرار دهند و در عرصه‌های گزینش سیاسی نیز براساس سود و زیان عمل کنند. دومین عامل (که به نوعی با مقوله پیش در ارتباط است) را می‌توان به رشد میزان تحصیلات در جامعه مربوط دانست. از آنجا که احراز پست‌های مدیریتی در دستگاه بوروکراسی کشور منوط به داشتن مدارک مشخص تحصیلی گردید، تأمین بسترها و امکانات مناسب جهت برآوردن چنین نیازی در دستور کار قرار گرفت؛ به طوری که مؤسساتی همچون دانشگاه آزاد و پیام‌نور در کنار سیستم متداول دولتی در زمینه‌ی جذب دانشجو تأسیس شد. دانش‌آموختگان چنین مؤسساتی متناسب با سطح تحصیل خود، تنوع محسوسی در نیازها و خواسته‌های خود در قیاس با نسل پیشین می‌یافتند که به طور حتم در نوع گزینش‌های سیاسی این جمع به شدت اثرگذار بود.

رفتار انتخاباتی شهروندان، براساس تفکیک‌های جنسی، سنی و میزان تحصیلات متفاوت است. براساس تفکیک جنسی، نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط در بین زنان، بیشترین هماهنگی را با رفتار انتخاباتی آنها در شهر اصفهان دارد. ولی در بین مردان، نظریه‌ی انتخاب عقلایی، بیشترین هماهنگی را با رفتار انتخاباتی آنها دارا می‌باشد. بر این اساس و از آنجا که ایدئولوژی مسلط، در جمهوری اسلامی ایران ماهیتی اسلامی دارد، می‌توان دلیل

هماهنگی رفتار انتخاباتی زنان شهر اصفهان با ایدئولوژی مسلط را، در مذهبی بودن و محافظه‌کار بودن آنها نسبت به مردان جستجو کرد.

براساس تفکیک سنی، در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال و همچنین بیشتر از ۵۰ سال، نظریه انتخاب عقلایی نسبت به دو نظریه‌ی دیگر، در مرتبه‌ی بالاتری قرار دارد. اما در گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال، رفتار انتخاباتی در این گروه سنی، به نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط، نزدیک‌تر می‌باشد.

براساس تفکیک میزان تحصیلات، در افرادی که تحصیلات‌شان زیردیپلم و دیپلم می‌باشد، نظریه‌ی ایدئولوژی مسلط با رفتار انتخاباتی آنان همخوانی دارد. اما در افرادی که تحصیلات آنان بالاتر از دیپلم است، نظریه‌ی انتخاب عقلایی بیشترین هماهنگی را با رفتار انتخاباتی آنان دارا می‌باشد. علت این امر را می‌توان در این عامل جستجو کرد که، افراد با تحصیلات بالاتر از دیپلم، جزء طبقه‌ی متوسط جدید می‌باشند. طبقه‌ی متوسط جدید به تمامی افراد تحصیل‌کرده‌ی یک جامعه گفته می‌شود، که کار فکری انجام می‌دهند. این طبقه شامل کارمندان، پزشکان، وکلا، مدیران، مهندسان و... می‌باشد. در جوامع در حال توسعه این طبقه به لحاظ توانمندی‌های خاص خود انتظار ایفای نقش پررنگی در عرصه‌های تصمیم‌گیری کشور دارد و به همین خاطر براساس منافع خود عمل می‌کند. پرواضح است که افراد این طبقه، به انتخابی دست می‌زنند که در آن بیشترین سود را برای طبقه‌ی خود در پی داشته باشد.

بنابراین بر حسب اینکه چه گروه جنسیتی، سنی و تحصیلاتی در انتخابات، بیشترین مشارکت را داشته باشند، نتایج انتخابات می‌تواند تغییر نماید.

منابع

۱. اثنی عشری، شهراد. از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۸۵.
۲. رضوانی، محسن. تحلیل رفتار انتخاباتی، نشریه معرفت، شماره ۱۲۳، ۱۳۸۶.
۳. راش، مایکل. جامعه و سیاست، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
۴. شفیعی‌فر، محمد. اصول‌گرایی و قانون اساسی، نشریه زمانه، شماره ۵۵، ۱۳۸۶.
۵. شهبازی، محبوب. تقدیر مردم‌سالاری ایرانی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۰.
۶. عیوضی، محمد رحیم. مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۷. فریدونی، فرحناز. انتخابات و مشارکت سیاسی افراد، نشریه روابط عمومی، شماره ۳۶، ۱۳۸۴.
۸. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۸۱.
۹. گلاب‌چی. نقش پندارهای جناحی در رفتار انتخاباتی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۵، ۲۱۶.
۱۰. مارش و استوکر. روش و نظریه در علوم سیاسی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۱. هانتینگتون، ساموئل. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰.